

سنجش احساس تعلق مکانی در شهرهای کوچک، میانی و کلان شهرها. مطالعه موردی: شهرهای خواف، سبزوار و مشهد

مهدی زنگنه

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، عضو هیات‌علمی دانشگاه حکیم سبزواری
تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۷

چکیده

امروزه عدم احساس تعلق در تمامی محیط‌های شهری اعم از شهرهای کوچک، نوشهرها، شهرهای میانی و کلان شهرها از مشکلات پنهانی است که با خصایص بی‌ریشگی، بی‌هویتی، بی‌تفاوتی و مسئولیت‌گریزی شهروندان رخنمون گردیده است. هدف پژوهش، مقایسه تطبیقی از وضعیت احساس تعلق مکانی در سه شهر کوچک، میانی و کلان‌شهر و عوامل مؤثر بر احساس تعلق مکانی آن‌ها است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ روش پیمایشی بوده و ابزار تحقیق، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای است که میزان روایی آن از طریق روایی صوری و ضریب پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ با مقدار ۰/۷۸ تأیید شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان سه شهر خواف با حجم نمونه ۳۸۰ نمونه شهر سبزوار، ۳۸۳ نمونه و مشهد ۳۸۴ نمونه است. با توجه به طیف ۱-۵ نتایج پرسش‌ها تحقیق و در نظر داشتن رقم ۳ به‌عنوان میانه نظری، بیشترین احساس تعلق مکانی از آن کلان‌شهر مشهد با رقم ۴/۴ و در رتبه بعدی خواف با ۳/۳ در حد متوسط و شهر سبزوار با رقم ۲/۷ در مرتبه نهایی قرار گرفت. تحلیل رگرسیونی شاخص‌های ۵گانه پژوهش به میزان ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (احساس تعلق مکانی) را تبیین می‌کنند و نتایج، حاکی از آن است که متغیر کیفیت خدمات، بیشترین تأثیر و بعد از این متغیرهای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به ترتیب تأثیرات فزاینده‌ای را بر احساس تعلق مکانی در سه شهر مورد مطالعه خواهند داشت.

واژه‌های کلیدی: احساس تعلق مکانی، شهرهای کوچک، شهرهای میانی، کلان‌شهرها، خواف، سبزوار، مشهد

مقدمه

مکانی علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌گردد، باعث دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲). احساس تعلق افراد به اجتماع‌شان بیشتر در جوامعی مد نظر است که همبستگی ارگانیکی در آنها کمتر است و در نتیجه نیاز به جوشش برای پیشبرد برنامه‌ریزی‌ها در ابعاد مختلف هویت جمعی احساسات عاطفی و واکنش‌های آن وجود دارد. بانگاهی به تجربه کشورمان در زمینه شهرهای جدید، آشکار می‌شود که رویکرد غالب آن‌ها، رویکردی تک بعدی‌نگر بوده که در آن فقط به ساخت فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال و یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلان شهرها توجه شده است. از سوی دیگر فقدان تاریخ، فرهنگ و خاطره جمعی در نوشهرها و به دنبال آن در اولویت قرار دادن مسائل مالی، توجیهات اقتصادی و... باعث

یکی از معانی مهم و مؤثر در ارتباط انسان و محیط که همواره مورد توجه طراحان و مدیران شهری بوده است، احساس تعلق خاطر شهروندان به شهر محل سکونت خود است (میرزائیان و هرنیدی، ۱۳۹۲: ۲). حس تعلق مکان یا مفهوم حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد، به گونه‌ای که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌گردد. این حس، عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. حس مکان و تعلق

شهری، عدالت، همبستگی، امنیت، حفاظت محیط زیست شهری مسئولیت پذیری، مشارکت شهروندی و... در گرو افزایش حس تعلق مکانی شهروندان به محیط شهری‌شان است؛ چرا که با افزایش حس تعلق، پیوندهای عاطفی بیشتر شده و منافع مشترک افراد به هم پیوند می‌خورد. پس با ایجاد زمینه‌هایی جهت تحقق حس تعلق مکانی می‌توان به مدیریت شهری بهتر، شهری سالم و توسعه شهری پایدار دست یافت. فقدان حس مکان در تمامی محیط‌های شهری امروزی (صرف نظر از اندازه و سلسله مراتب در نظام شهری) اعم از شهرهای کوچک، نوشهرها، شهرهای میانی و کلان‌شهرها و به تبع آن عدم احساس تعلق به آن‌ها از مشکلات پنهانی است که در درازمدت احساس بی‌ریشگی و بی‌هویتی را در ساکنان این محیط‌ها دامن خواهد زد و این مشکل در اکثریت شهرها با خصیصه بی‌تفاوتی و مسئولیت‌گریزی شهروندان رخنمون گردیده است و اما در شهرهای مورد مطالعه: خواف بعنوان یکی از شهرهای تاریخی، با پیشینه هزارساله و پرافتخار، نتوانسته جایگاه تاریخی خویش را حفظ نماید، مهاجرفرستی، نبود خدمات و امکانات مطلوب و روانه شدن سرمایه‌ها به کلان‌شهرها از مشکلات بارزای نگونه شهرهاست؛ همچنین سبزوار با شهرنشینی چند صدساله و سابقه مبارزاتی مشهور ساکنانش، موقعیت بین‌راهی، جایگاه مناسب خویش را نیافته است، اما کلان‌شهرها و به‌ویژه مشهد که در جایگاه نخست شهری منطقه قرار گرفته، مهاجرپذیری، سرمایه‌گذاری، استقرار خدمات و امکانات سطح بالا را از آن خود نموده، به مانند سایر شهرهای ذکر شده، باز هم مسئولیت‌گریزی، بی‌تفاوتی و عدم تعهد شهروندان نسبت به محیط زیست‌شان را تجربه نموده است که همه این مسائل از عدم احساس تعلق مکانی شهروندان به شهر محل سکونت‌شان ناشی می‌گردد و اگر این احساس به خوبی ساماندهی شود اثرات مطلوبی را بر روی توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهر خواهد داشت و اما متأسفانه این احساس در برنامه ریزی و مدیریت شهری نادیده انگاشته شده است که باید مورد توجه محققین و متخصصین عرصه

گردیده که مسئله هویت و در پی آن حس تعلق مکانی، در این شهرها، به مثابه مسئله‌ای فرعی تلقی گردد(همان).

بنا به اعتقاد دورکیم وقتی حس تعلق به جامعه در افراد وجود داشته باشد، یک حس همانندی و قرابت به وجود خواهد آمد و پیوندهای عاطفی و دل‌مشغولی‌ها و منافع مشترک افراد را به هم پیوند می‌دهد که نتیجه آن افزایش و تشدید تماس‌های آنان و گسترش ارتباطات در سطح جامعه است و این مهمترین ابزار برای یک مدیریت خوب به‌ویژه در کشورهای جهان سوم است. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به دلیل قرار گرفتن در دوران گذار، بسترها و عوامل ایجاد احساس تعلق اجتماعی، دچار تغییر می‌شود (باقری و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۴۵). در درجات بالای تعلق مکانی، فرد نسبت به سرنوشت مکان احساس تعهد می‌نماید و در نهایت این حس تعلق و تعهد می‌تواند منجر به مشارکت فرد در برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی محله شود (مانزو^۱ و پرکینز، ۲۰۰۶: ۳۳۶)؛ بنابراین تعلق مکانی بحثی مهم هم از نظر جامعه‌شناختی و هم از نظر برنامه‌ریزی اجتماع محلی است.

حس تعلق مکانی باعث افزایش حس تعهد و مسئولیت فرد به محل سکونتش می‌شود. کاهش این تعلق نیز باعث کاهش احساس مثبت فرد به محیط می‌گردد (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۱: ۲۸۱). دل‌بستگی به مکان زندگی و احساس تعلق به آن در افراد، این انگیزه و احساس مسئولیت را ایجاد می‌کند که جهت بهبود همه جانبه محیط سکونت تلاش نمایند. از این‌رو احساس تعلق مکانی می‌تواند اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیر همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۵). در مجموع با توجه به اینکه شهرها در آینده تعدد و تنوع بیشتری را خواهند داشت و این تنوع، مدیریت شهرها را با نارسایی‌هایی خاصی مواجه ساخته که هرروزه در حال افزایش است. موضوعاتی همچون: دستیابی به هویت

برای جمعیت محلی و هم توریست‌ها، تعلق مکانی آثار مثبت محیطی دارد.

بستن^۳ (۲۰۱۰)، در پژوهشی که تجربه کودکان مهاجر را در شهر برلین و پاریس به طریق ترسیم نقشه‌های ذهنی انجام داده، به این نتیجه رسیده که تعلق مکانی موجب افزایش سلامت روانی و احساس هویت و کاهش رفتارهای انحرافی افراد در محله می‌شود.

بون^۴ و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی در زمینه تاب آوری اجتماعی انجام دادند، دریافتند که در بسیاری از موارد پس از سوانح و جابه جایی، حس تعلق به مکان منجر به بازگشت افراد به مکان قبلی می‌گردد. سرمست و متوسلی‌زاده (۱۳۸۹)، در پژوهش خود به بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر بر میزان تعلق مکانی مردم تهران داشته‌اند. نتایج تحقیق نشان دهنده این است که تعلق مردم به مکان در قسمت‌های مختلف شهر (باسابقه و بافت اجتماعی متفاوت) با همدیگر فرق می‌کند.

وارثی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی که بر روی شهر جدید گلپه‌ار انجام دادند، مؤلفه‌های هویت‌بخش شهری و مدت اقامت ساکنان را از عوامل مؤثر بر تعلق مکانی ساکنان آن دانستند. رهنما و رضوی (۱۳۹۱)، در پژوهشی که بر روی محلات ۴ و ۱۱ شهر مشهد انجام دادند، دریافتند که: حس تعلق به مکان از طریق برانگیختن مشارکت شهروندان باعث اعتماد بیشتر شهروندان می‌گردد و جوامعی با سرمایه‌های اجتماعی بالا و مشارکت آگاهانه شهروندان مستلزم وجود حس تعلق به مکان، محله و شهر است.

آزاد و پرتوی (۱۳۹۱)، در بررسی تطبیقی خاطره جمعی شهروندان در دو نقطه متفاوت شهر تهران نشان دادند که: آنچه در میدان بهارستان باعث ایجاد خاطره جمعی شده مربوط به کالبد‌های اطراف آن بوده و آنچه در میدان تجریش باعث تعلق مکانی و خاطره جمعی شهروندان گردیده مربوط به عملکرد آن میدان بوده است.

برنامه ریزی شهری قرار گیرد. اما باید دانست که پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته، در یک شهر یا یک محله خاص بوده و به صورت مقایسه‌ای در نظام شهری کمتر پژوهشی انجام گرفته و ضرورت می‌یابد که این موضوع مهم در سلسله مراتب شهری از پایین ترین سطوح شهرنشینی تا بالاترین انجام گیرد، که این پژوهش در پی چنین ضرورتی انجام گرفته است. و این پژوهش بر آن است تا میزان تعلق مکانی شهرهای خواف، سبزوار و مشهد را به صورت مقایسه‌ای مورد سنجش قرار دهد و در این راستا پرسش‌های ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. شهروندان هر یک از شهرهای خواف، سبزوار و مشهد هر کدام به چه میزانی از احساس تعلق مکانی برخوردارند؟ آیا با بالارفتن جمعیت شهر، احساس تعلق مکانی افزایش می‌یابد؟ آیا بین شهرهای مورد مطالعه، از نظر احساس تعلق مکانی تفاوت معناداری وجود دارد؟ در هر یک از شهرهای مورد مطالعه کدام مؤلفه‌ها بیشترین تأثیر را در افزایش حس تعلق مکانی دارند؟ کدام مؤلفه‌ها بیشترین تأثیر را در ارتقاء حس تعلق مکانی در بین شهرهای مورد بررسی خواهند داشت؟

روش تحقیق

باید اشاره نمود که تحقیقاتی که مستقیم به بررسی تطبیقی یا مقایسه تعلق مکانی در شهرهای مختلف پرداخته باشد و یا نقش اندازه شهرها و سلسله مراتب شهرها را در ارتباط با تعلق مکانی مورد پژوهش قرار داده باشد، وجود نداشت و در پیشینه تحقیق به پژوهش‌هایی که به نوعی مقایسه تعلق مکانی را در درون شهرها و در سطح محلات انجام دادند، ارائه می‌گردد:

کالتن برن^۱ و ویلیامز^۲ (۲۰۰۲)، میزان تعلق مکانی به (پارک ملی نوروی) را بین جمعیت بومی و توریست‌ها مورد مقایسه قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سطح تعلق مکانی تا حد زیادی تحت تاثیر اقدامات مدیریتی مربوط به یک مکان است. هم

3. Besten
4. Boon

1. Bourne Kaltn
2. Williams

تمایل به گذراندن اوقات فراغت در منطقه، دارای بیشترین میزان رضایت از کیفیت زندگی بوده است.

مبانی نظری

تعلق مکان به عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه‌های مکانی برقرار می‌کنند تعریف می‌شود، جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و جایی که آن‌ها احساس راحتی و امنیت دارند احساس تعلق مفهومی است که در مرحله توصیف، به ابعاد و عوامل تشکیل دهنده آن قابل تجزیه است، اما در مرحله ادراک درکی کلی از محبت و عاطفه نسبت به مکان است که شاید حتی برای شخص قابل وصف و بیان نباشد (سیاوش پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). شهرنشینی که مکان سکونت خود را ترک می‌کنند بخشی از حس تعلق خود را از دست می‌دهند؛ زیرا حس مکان آنها خدشه دار شده است. برای بسیاری از مردم لذت نهفته در تحرک هیچگاه نمی‌تواند جای ارضاء نیاز انسان به تعلق به یک مکان خاص را بگیرد. تقلیل دادن مکان به یک جا و انسان به یک موجود اقتصادی منطقی مونث یا مذکر باعث می‌شود که بسیاری از ابعاد پر اهمیت ارتباط میان انسان‌ها و مکان‌ها نادیده گرفته شود (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶۷).

نیاز تعلق به مکان: آدمی به عنوان یک موجود با ابعاد فردی و اجتماعی و همچنین مادی، روحی و روانی، دارای نیازهای مختلفی است که همواره به دنبال تأمین آنها در طول حیات خود است. در این بین، تأمین این نیازها دارای اولویت و سلسله مراتب خاصی می‌باشد. مازلو ضمن بر شمردن انواع نیازهای آدمی، آنها را بر اساس اولویت برآورد آنها دسته بندی نموده است. از مهم ترین این نیازها که در صدر هرم اولویت بندی نیازها قرار دارد، نیاز به خودشکوفایی است که لازمه آن تأمین نیازهای ماقبل خود است. انسان چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه، میل به بروز و ظهور استعدادهای فطری و خودشکوفایی دارد. این امر، زمانی تحقق می‌یابد که سلسله مراتبی از نیازهای انسان از جمله نیازهای تعلق و دوست داشتن برطرف گردد. تحقق این سلسله مراتب نیازها بدون

بزی و همکاران (۱۳۹۳)، در بررسی مقایسه‌ای حس تعلق مکانی محلات شهر خرم‌آباد دریافتند که: رابطه معناداری بین شاخص‌های مختلف حس تعلق مکانی و نگهداری از تجهیزات شهری، نظافت محلات، پرداخت مالیات و نیز مشارکت افراد در امور محله وجود دارد. از نظر میزان حس تعلق مکانی، میان محلات مختلف مورد مطالعه تفاوت‌های چشمگیری وجود داشته است، محلات قدیمی‌تر به دلیل تنوع بناها نسبت به محلات جدیدتر از حس تعلق مکانی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

زیاری و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی که در شهر سنندج انجام دادند، بحران حس عدم تعلق مکانی را مهم دانستند و خاطرنشان نمودند که توسعه اجتماعی محلات می‌تواند باعث افزایش حس تعلق مکانی و پایداری محیط‌های شهری گردد.

شیخی و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در نسیم‌شهر و شهر جدید پرنده، به این نتیجه دست یافتند که: حس تعلق مکانی در نسیم شهر به عنوان یک سکونتگاه غیر رسمی و اجتماعی خودانگیخته و بدون برنامه، نسبت به شهر جدید پرنده بعنوان یک شهر جدید و اجتماعی برنامه‌ریزی شده، در سطحی بالاتر است. فنی و همکاران (۱۳۹۴)، در بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی در مدیریت و مشارکت محله ای در منطقه ۱۰ تهران، احساس تعلق به محله را به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی مورد سنجش قرار دادند و تفاوت در میزان احساس تعلق به هر محله را ناشی از متفاوت بودن زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و قدمت محله دانستند.

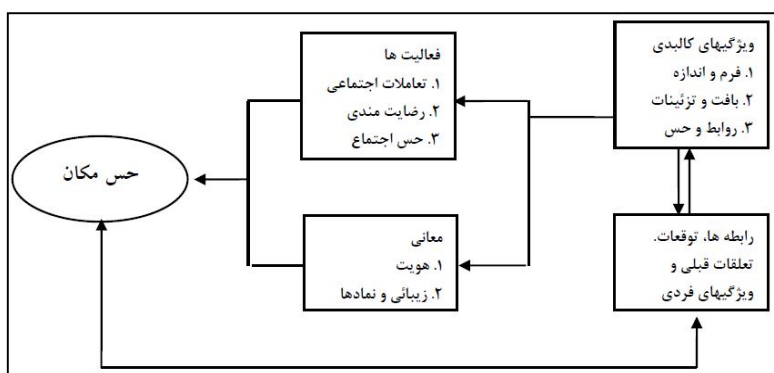
میمندی پاریزی (۱۳۹۵)، در ارزیابی پایداری شهر کرمان نشان دادند که در بعد اجتماعی، متغیر تعلق به محیط بیشترین میزان رضایت‌مندی را در بین ساکنان کسب نموده است و این متغیر از عناصر تأثیرگذار بر پایداری شهر بوده است. علوی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی کیفیت زندگی در شهر بهبهان را مورد سنجش قرار دادند، در حوزه تعلق مکانی منطقه یک شهر به دلیل سرزنده بودن و احساس تعلق ساکنان و

هماهنگی فرد و محیط بوده و باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (سرمرست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

مراتب حس مکان: شامای برای حس مان سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح: بی‌تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان، فداکاری برای مکان، تعلق به مکان تعیین می‌کند (همان: ۱۳۸).

شناخت جایگاه آدمی در هستی امکان‌پذیر نیست، یعنی انسان با شناخت خود و نیازهای خود و ایجاد مکان و محملی مناسب جهت اقماع این نیازها به خودشکوفایی می‌رسد (پیربابایی و سجاده، ۱۳۹۰: ۱۹).

حس مکان: محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمز گشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان عامل مهمی در



شکل ۱: حس مکان و عوامل تأثیرگذار در آن (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴)

کرده‌اند که با پتانسیل مکان خاص برای ارضای نیازها و اهداف افراد و سنجش این که مکان حاضر در مقایسه با سایر مکان‌های موجود چه شرایط قابل دسترسی برای ارضای همان نیازها در اختیار دارد، اشاره می‌کند. به عبارت دیگر فرد مکان را از آن روی انتخاب کرده که نسبت به سایر مکان‌های موجود بیشتر انتظارات و نیازهای او را برآورده می‌ساخته است (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

پ. تعلق عاطفی: تعلق عاطفی را می‌توان تعلق احساسی و هیجانی به محیط و زمینه خاصی دانست. توان^۴ (۱۹۷۷) عقیده داشت که هیجان‌ات به تمام تجربیات فرد متصل است، تجربیاتی که با جهان فیزیکی مواجه است. در کل تعلق عاطفی ناظر بر

همچنین تعلق مکانی را می‌توان در قالب ۴ بعد زیر معرفی نمود:

الف. هویت مکانی: هویت مکانی به جنبه ذهنی رابطه بین انسان و مکان اشاره دارد و این که چگونه مکان به هویت خود فرد کمک می‌کند (Payton, 2003: 8). از نظر پروشانسکی^۱ مفهوم هویت مکانی به آن دسته از ابعاد خویش‌شناسی اشاره دارد که هویت فردی اشخاص را در رابطه با محیط فیزیکی‌شان تعریف می‌کند (Lewicka, 2008: 211).

ب. وابستگی مکانی: وابستگی مکانی دومین بعد هویت مکانی است. اسکلز^۲ و شوماخر^۳ (۱۹۸۱) مفهوم وابستگی مکانی را به عنوان شکلی از تعلق تعریف

1. Proshansky
2. Scholes
3. Schumacher

4. Tuan

بودن مکان از نظر افراد، متمایز دانستن مکان و افتخار به آن دارد.

تعلق کارکردی: یکی دیگر از شاخص‌های مهم حس مکان، تعلق کارکردی است که برای به دست آوردن میزان آن در مکان باید به مؤلفه‌هایی از قبیل لذت بردن از مکان، احساس امنیت، توانایی توصیف مکان، تعلق به مکان، درک معانی مکان، عقیده در مورد مناسب بودن مکان به منظور تأمین نیازها اشاره کرد. تعلق مفهومی: معنای مکان یکی دیگر از شاخصه‌های حس تعلق به مکان است که متشکل از زیر بخش‌هایی همچون مناسب و سازگار بودن مکان با سبک زندگی افراد، مناسب با زمینه فرهنگی افراد، مردم دوستی و علاقه افراد مکان به هم، اجتماع و دیدار افراد محله و داشتن خاطرات کهن است (Shamsuddin and Ujang, 2014:391).

بل^۵ و نیوبای^۶ در مفهوم اجتماع در مورد شهرهای کوچک، به رابطه فرقه‌ای اشاره می‌کنند و گرمای عاطفی پیوندهای خصوصی و احساس تعلق را ناشی از همبستگی انسانی اجتماع می‌دانند و معتقدند که مناطق جغرافیایی دارای نظام‌های اجتماعی- محلی، باعث ایجاد احساس تعلق و همبستگی شدید فرقه‌ای می‌شوند (سواج و وارد^۷ ۱۳۸۷: ۱۴۷). زمانی که فردی حس تعلق اجتماعی خود را به منطقه سکونتش از دست می‌دهد، به آن مکان اهمیت نمی‌دهد و ناگزیر منطقه را ترک می‌کند و رابطه دوطرفه بین فرد و جامعه از بین می‌رود. با کاهش حس تعلق، روحیه منفعت طلبی شخص تقویت می‌شود و فرد فقط، به منافع شخصی‌اش می‌اندیشد (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۱: ۲۷۸).

زیمل^۸ بر فرد و فردیت در شهر تأکید می‌کند؛ زیرا که معتقد است انسان می‌تواند از تعلق‌های جمعی و سنتی خود در شهر آزاد شود و هویت فردی بیابد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۷۷). وی معتقد است آدمیان در شهر احساس می‌کنند در ماشینی غول‌پیکر فقط چرخ‌دنده کوچکنند، برخی از افراد برای این که فردیت

پاسخ‌های احساسی به زمینه‌ها و شرایط محیطی است (Brocato, 2006:25).

ت. پیوندهای اجتماعی: مکان‌ها فقط شامل محیط فیزیکی نیستند مردم خود جزئی از مکانند؛ بنابراین یکی از ابعاد حس مکان، تعلق فرد به مردمی است که در آن مکان زندگی می‌کنند. در واقع مکان‌ها مخازنی هستند که ارتباطات بین فردی، اجتماعی و فرهنگی در آن رخ می‌دهد. اهمیت پیوندهای اجتماعی در مکان‌ها توسط محققین زیادی مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات حاکی از آن است که پیوند اجتماعی با دوستان و خویشاوندان یکی از منابع مهم و پایدار تعلق مکانی است (Brocato, 2006:25).

و برخی منابع دو نوع دسته بندی را برای حس تعلق به مکان ارائه نموده‌اند:

تعلق اجتماعی: این گونه از تعلق عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش‌های اجتماعی در محیط صورت می‌گیرد، بر اساس نظریه محیط اجتماعی شکل گرفته و محیط از این منظر گونه‌ای از تعلق و ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارد که فرد در آن به جستجوی تعلق خاطر خود می‌پردازد.

تعلق کالبدی به مکان: این نوع از تعلق، برگرفته از عناصر و اجزای کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرآیند شناخت و هویت انسانی محسوب می‌شود محققین در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره کرده و از آن با عنوان ریشه‌داری یاد می‌نمایند که بر این اساس فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق به خاطر می‌سپارد. علاوه بر آن‌ها تیلور نیز به همراه گروه دیگری به بررسی خود از فضاهای عمومی در واحدهای همسایگی، با اشاره به عناصر کالبدی، از آن با عنوان تعامل کالبدی یاد می‌کند که معادل تعلق کالبدی به مکان است (میرزائیان و هرنیدی، ۱۳۹۲: ۶) و در برخی منابع در تعریف تعلق مکانی به سه دسته تعلق احساس، مفهومی و کارکردی اشاره شده که به شرح ذیل است:

تعلق احساسی: تعلق احساسی به مکان یکی از شاخصه‌های قابل اندازه‌گیری حس تعلق به مکان است که مؤلفه‌هایی از قبیل احساس راحتی در مکان، مهم

5. Bell

6. New bay

7. Mike, Savage and Alan Ward

8. Simmel

سنجش تعلق مکانی استخراج گردید.

روش شناسی

این پژوهش؛ از حیث نوع کاربردی-توسعه‌ای، از حیث ماهیت توصیفی-تحلیلی و از حیث روش پیمایشی (پرسش‌نامه) است. جامعه آماری شامل جمعیت ۳ شهر مورد مطالعه بوده که براساس سرشماری ۱۳۹۰ تعداد جمعیت و تعداد نمونه انتخاب شده به روش کوکران به شرح ذیل بوده است:

شهر خواف با جمعیت ۲۸۴۴۴ نفر، تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیده، شهر سبزوار با جمعیت ۲۳۱۵۵۷ نفر، ۳۸۳ نمونه و کلان‌شهر مشهد با جمعیت ۲۷۶۶۲۵۸ نفر، ۳۸۴ به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند و پرسش‌نامه‌ها با توجه به پراکنش جغرافیایی مناسب در بین شهروندان هر یک از شهرهای سه‌گانه توسط تیم پرسشگر توزیع و تکمیل گردیده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس، تی‌تک نمونه‌ای و رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

خود را حفظ کنند دست به تخریب یا ویرانگری شهر می‌زنند (شارع‌پور، ۱۳۹۴: ۱۲۶) و همچنین وی خاطرنشان می‌کند که کلان‌شهرها به سبب تنوع، ثروت، گستردگی فضای زندگی و نگرش جهان وطنی عرصه وسیعی را برای آزادی فردی فراهم می‌آورد (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

دیویدهاروی بیان می‌کند که با افزایش تعداد افراد در شهر؛ افزایش اندازه شهر و تضعیف گروه‌های خویشاوندی باعث رقابت، نفع شخصی، تخصصگرایی، تقسیم کار، کاهش روابط عاطفی و در نهایت عدم پایداری احساس تعلق به گروه می‌شود (همان، ۱۱۹). ژان باستیه معتقد است شهر هر اندازه مهم‌تر و وسیع‌تر باشد ساکنانش کمتر احساس می‌کنند که جزئی از آنند و در آن صورت بیشتر احساس تنهایی و له شدن در زیر کادری غول‌آسا که در آن به زندگی خود ادامه می‌دهند، خواهند داشت (همان، ۱۲۰). بنابراین با توجه به مفاهیم و دیدگاه‌های ارائه شده در زمینه تعلق مکانی و با توجه به شرایط جغرافیایی موجود در سه شهر مورد مطالعه، ۳۸ متغیر جهت

جدول ۱: شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

ردیف	شاخص	متغیر
۱	مشارکت در فعالیتهای اجتماعی	مشارکت شهروندان در پاک‌سازی محیط محله و شهر، در حل مشکلات محله، در تصمیم‌گیری‌های محلی، در پرداخت عوارض و مالیات، در حفظ و گسترش فضای سبز محله، در زیباسازی محیط محله، در آبادانی محله و شهر
۲	کیفیت ارائه خدمات	کیفیت دسترسی به مراکز خرید، مراکز بهداشتی و درمانی، فضای سبز و پارک، ایستگاههای حمل و نقل عمومی، مراکز آموزشی، فضای بازی کودکان، وضعیت جمع‌آوری زباله و نظافت معابر، امکانات ورزشی
۳	احساس امنیت	احساس امنیت در شب، وجود افراد شرور و خرابکار در محله و شهر، وضعیت استرس از ناامنی، اعتماد به اهالی محله، امنیت دختران و زنان، در مجموع احساس امنیت و آرامش در محله و شهر
۴	احساس تعلق اجتماعی	صمیمیت بین ساکنان، تمایل به کارهای گروهی با همسایگان، تمایل به شرکت در تصمیم‌گیری‌های محله و شهر، متعلق دانستن شخص به شهر و محله خودش، نگاه به شهر به مثابه خانه خودش، تمایل به گذران اوقات فراغت در فضاهای عمومی، احساس مسؤلیت در حفظ محیط محله، احساس مسؤلیت در حفظ محیط شهر، میزان رضایت از سکونت در شهر
۵	کیفیت محیطی - کالبدی	وضعیت دوام بنای مسکونی، رضایت از آب و هوای شهر، رضایت از بهداشت و زیبایی منظر شهر و آسفالت خیابان-ها، تهدیدات طبیعی مانند سیل، زلزله و طوفان، رضایت از فضای سبز شهری، وضعیت تسهیلات و تجهیزات منزل

منبع: نگارنده، ۱۳۹۵

استفاده شده که مقدار آن در شاخص کل با ۳۸ گویه ۰/۷۸ به‌دست آمد. جدول زیر شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جهت اعتبار^۹ گویه‌های بکار گرفته شده در سنجش احساس تعلق، از اعتبار صوری استفاده گردید. برای پایایی^{۱۰} ابزار سنجش از آزمون آلفا کرونباخ^{۱۱}

9. Validity

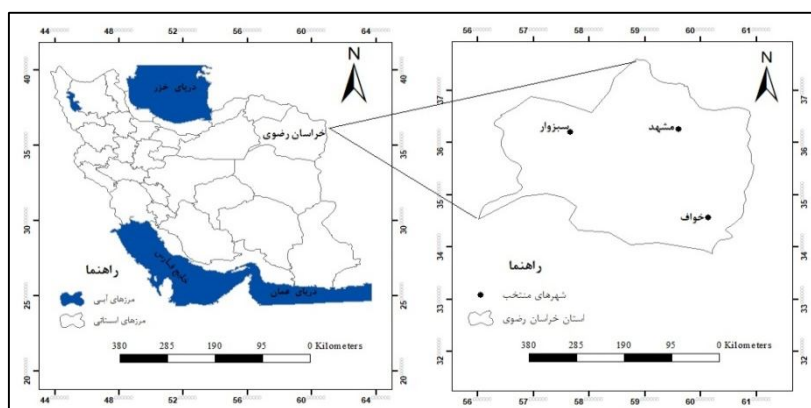
10. Reliability

11. Alpha chronbach

محدوده و قلمرو پژوهش

این پژوهش در محدوده خراسان رضوی انجام شده و شامل سه شهر؛ مشهد، سبزوار و خواف می‌باشد. شهر مشهد در شمال شرقی ایران و در محدوده خراسان رضوی واقع گردیده است. جمعیت آن، ۲۷۶۶۲۵۸ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). کلانشهر مشهد دارای ۱۳ منطقه شهری بوده که جمعاً مساحتی در حدود ۲۹ هزار هکتار را در بر می‌گیرد. تراکم جمعیتی شهر در حدود ۱۱۹/۴ نفر در هر کیلومتر مربع است (سازمان فناوری اطلاعات

شهرداری مشهد، ۱۳۹۰). شهر سبزوار در غرب خراسان رضوی واقع گردیده است. جمعیت آن، ۲۳۱۵۵۷ نفر بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و در زمره شهرهای میانی است. شهر خواف مرکز شهرستان خواف، در جنوب شرقی خراسان رضوی واقع گردیده است. جمعیت آن، ۲۸۴۴۴ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). تراکم جمعیتی این شهر در حدود ۲۵/۳۴ نفر در هر کیلومتر مربع است و در زمره شهرهای کوچک می‌باشد.



شکل ۲: موقعیت شهرهای مورد مطالعه در کشور و استان

بحث اصلی

در این بخش از پژوهش به پرسش‌های پژوهش پرداخته می‌شود:

پرسش ۱: شهروندان هر یک از شهرهای خواف، سبزوار و مشهد هرکدام به چه میزان از احساس تعلق مکانی برخوردارند؟ در جهت پاسخ به پرسش فوق، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که از میانگین گویه‌های هریک از ۵ شاخص اصلی سازنده احساس تعلق مکانی، مجدداً میانگین گیری شد و رقم به دست آمده به عنوان میانگین نهایی هر شهر در نظر گرفته شد. براساس محاسبات انجام شده با آزمون T تک نمونه‌ای و با در نظر داشتن ($P > 0/05$) میانگین احساس تعلق مکانی به دست آمد. با توجه به این که در پرسش‌نامه از طیف لیکرت، ۱ تا ۵ استفاده گردید؛ بنابراین عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها در نظر گرفته شده است. میانگین احساس تعلق مکانی در

شهر خواف ۳/۳ بدست آمده که اندکی بالاتر از رقم میانه نظری (رقم ۳) است و این نشان‌دهنده این است که شهروندان شهر خواف از احساس تعلق مکانی تقریباً مناسبی برخوردارند. در شهر سبزوار این رقم ۲/۷ بدست آمده که نشان از احساس تعلق مکانی پایین‌تر از میانه نظری است. در کلان‌شهر مشهد رقم مورد نظر به ۴/۴ رسیده، که نشان‌دهنده احساس تعلق مکانی بالاتر از میانه نظری بوده و از دو شهر خواف و سبزوار هم بالاتر است.

پرسش ۲: آیا با بالا رفتن جمعیت شهر، احساس تعلق مکانی افزایش می‌یابد؟

براساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون فوق، بین جمعیت شهر خواف و مشهد و میزان احساس تعلق مکانی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد، بطوری که با افزایش جمعیت شهر تعلق مکانی افزایش یافته است، اما در مورد جمعیت شهر سبزوار رابطه معنادار نیست.

جدول ۲: نتایج آزمون T: میزان احساس تعلق مکانی شهروندان شهرهای مورد مطالعه

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	میزان احساس تعلق مکانی
۰/۰۱۸۷	۰/۴۸۱	۳/۳	۳۸۰	خواف
۰/۰۲۷۳	۰/۳۴۸	۲/۷	۳۸۳	سبزوار
۰/۰۰۸	۰/۲۶۳	۴/۴	۳۸۴	مشهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون بین جمعیت و احساس تعلق مکانی

آزمون پیرسون		متغیر وابسته: میزان تعلق مکانی
سطح معناداری	شدت رابطه	
۰/۰۴	۰/۶۱۸	جمعیت شهر خواف
۰/۲۲	۰/۱۲۱	جمعیت شهر سبزوار
۰/۰۳	۰/۷۲۵	جمعیت شهر مشهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

میانگین‌های احساس تعلق در شهر خواف و مشهد از لحاظ آماری معنادار است. به عبارتی، شهروندان شهر خواف و مشهد از احساس تعلق مکانی بیشتری نسبت به شهروندان شهر سبزوار برخوردار بوده‌اند. در درجه اول، احساس تعلق مکانی مربوط به مشهد، بعدی، خواف و بعدی، سبزوار است.

پرسش ۳: آیا بین شهرهای مورد مطالعه، از نظر احساس تعلق مکانی تفاوت وجود دارد؟ براساس نتایج جدول ذیل، آزمون تحلیل واریانس حاکی از آن است که احساس تعلق مکانی افراد نمونه در هر یک از شهرهای مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که بر اساس آزمون تعقیبی توکی، تفاوت

جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس بین شهرها و احساس تعلق مکانی

شهرها	تعداد	مقدار df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
خواف	۳۸۰	۲	۴۵/۷	۱۴/۹	۰/۰۰
سبزوار	۳۸۳	۲	۱۸۹/۴	۱/۰۲	۰/۰۴
مشهد	۳۸۴	۲	۲۵/۴	۷/۶	۰/۰۲۱
کل	۱۱۴۷	۲	۹۱/۷	۲۷/۴	۰/۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

شهر خواف، مؤلفه‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی در وضعیت کنونی بیشترین تأثیر را در افزایش حس تعلق مکانی دارند. در شهر سبزوار، مؤلفه‌های کیفیت خدمات و احساس تعلق اجتماعی بیشترین تأثیر را در افزایش حس تعلق مکانی دارند و در کلانشهر مشهد، بیشترین تأثیر در افزایش حس تعلق مکانی مربوط به مؤلفه‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و کیفیت خدمات است.

پرسش ۴: در هر یک از شهرهای مورد مطالعه کدام مؤلفه‌ها بیشترین تأثیر را در افزایش حس تعلق مکانی دارند؟ نتایج جدول ذیل آزمون پیرسون، بین مؤلفه‌های احساس تعلق مکانی و شهرهای مورد بررسی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در شهر سبزوار، کیفیت خدمات در خواف، احساس امنیت و احساس تعلق اجتماعی در مشهد و کیفیت محیطی - کالبدی در شهرهای خواف و سبزوار معنادار نشده است. می‌توان گفت که: در

جدول ۵: آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌های احساس تعلق مکانی در هر یک از شهرهای مورد بررسی

مؤلفه‌های احساس تعلق مکانی					مؤلفه‌ها
کیفیت محیطی - کالبدی	احساس تعلق اجتماعی	احساس امنیت	کیفیت خدمات	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	
۰/۲۰	۰/۵۰۱**	۰/۳۲۰*	۰/۱۲۰	۰/۶۵۷**	خواف
۰/۱۰۸	۰/۴۳۲*	۰/۴۱۱*	۰/۷۱۵**	۰/۲۰۹	سبزوار
۰/۳۹۵*	۰/۱۱۲	۰/۰۷۱*	۰/۶۱۵**	۰/۷۶۴**	مشهد
۰/۵۶۱**	۰/۳۷۴*	۰/۳۹۲**	۰/۶۴۳**	۰/۴۶۴*	کل

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

متغیرهای مستقل (شاخص مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، کیفیت خدمات شهری، احساس امنیت و احساس تعلق اجتماعی) بر متغیر وابسته (احساس تعلق مکانی) از این روش بهره‌گیری شده‌است. با استفاده از مدل رگرسیونی چندگانه به روش گام به گام عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار در احساس تعلق ساکنان شهرهای مورد بررسی مشخص گردید. نتایج حاصله حکایت از آن دارد که شاخص‌های پنج‌گانه وارد شده به مدل به میزان ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (احساس تعلق مکانی) را تبیین می‌کنند.

تحلیل رگرسیونی عوامل تبیین‌کننده احساس تعلق ساکنان: در این بخش به منظور پیش‌بینی شاخص‌های تأثیرگذار در احساس تعلق ساکنان ابتدا جهت اطمینان از همبستگی بین شاخص‌ها، ضریب همبستگی بین متغیرها را به دست آورده و در مرحله بعد به برازش رگرسیونی عوامل تبیین‌کننده احساس تعلق ساکنان پرداخته می‌شود. در مرحله دوم به منظور پیش‌بینی شاخص‌های تأثیرگذار بر احساس تعلق ساکنان از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود. جهت مشخص شدن سهم تأثیر هر کدام از

جدول ۶: عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (احساس تعلق مکانی)

مرحله	متغیرهای وارد شده	R	R ²	R ² اصلاح شده
۱	کیفیت خدمات	۰/۵۴۲	۰/۲۹۳	۰/۲۹۱
۲	احساس تعلق اجتماعی	۰/۷۲۲	۰/۵۲۱	۰/۵۱۸
۳	شهر	۰/۸۳۶	۰/۶۹۹	۰/۶۹۷
۴	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	۰/۹۲۳	۰/۸۵۲	۰/۸۵۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

واریانس متغیر وابسته تبیین نشده؛ در کل متغیرها دارای قدرت تبیین بالایی بوده‌اند. سایر شاخص‌های آماری برای متغیرهای درون معادله مانند Beta برای نمرات استاندارد شده و نیز آزمون T را می‌توان در جدول فوق ملاحظه کرد. مقادیر Beta در جدول فوق نشان می‌دهد که شاخص کیفیت خدمات شهری، بیشترین تأثیر را در احساس تعلق مکانی دارد و بعد از این شاخص‌های احساس تعلق اجتماعی، شهر محل سکونت و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در اولویت دوم، سوم و چهارم،

بررسی نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که معادله پیش‌بینی رگرسیونی ما دارای ۴ مرحله است. براساس نتایج، ضریب همبستگی چند متغیره ما در مرحله چهارم نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای کیفیت خدمات، احساس تعلق اجتماعی، شهر مورد بررسی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی توانسته ۸۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (احساس تعلق مکانی) را پیش‌بینی نمایند. باتوجه با این‌که ۸۵ درصد از واریانس متغیر احساس تعلق مکانی به‌وسیله متغیرها تبیین شده و تنها ۱۵ درصد ($R^2=15$) از

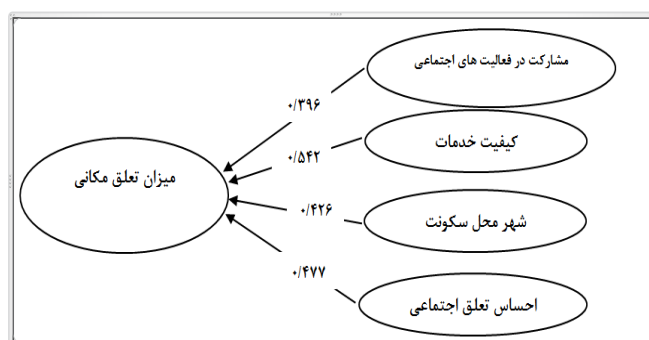
پنجم تحقیق مبنی بر اینکه: کدام مؤلفه‌ها بیشترین تأثیر را در ارتقاء حس تعلق مکانی در بین شهرهای مورد بررسی خواهند داشت؟ باید گفت که در جهت ارتقاء احساس تعلق مکانی شهروندان؛ بیشترین تأثیر مربوط به متغیر کیفیت خدمات شهری و در اولویت‌های بعدی به ترتیب متغیرهای احساس تعلق اجتماعی، شهر محل سکونت و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی خواهند بود (جدول ۷ و شکل ۳).

تأثیرات فزاینده‌ای را بر احساس تعلق مکانی خواهند داشت. ضرایب Beta نشان می‌دهد که در مرحله نخست، به ازای افزایش یک نمره به متغیر کیفیت خدمات ۰/۵۴۲ نمره به میزان احساس تعلق مکانی افزوده می‌شود و در مرحله دوم، به ازای افزایش یک نمره به متغیر احساس تعلق اجتماعی ۰/۴۷۷ نمره به میزان احساس تعلق مکانی افزوده می‌شود و ... تا مرحله چهارم که به ازای افزایش یک نمره به متغیر فعالیت‌های اجتماعی ۰/۳۹۶ به نمره احساس تعلق مکانی افزوده می‌شود. بنابراین در پاسخ به پرسش

جدول ۷: عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته (احساس تعلق مکانی)

نام متغیر	B	Beta	T	Sig. T
کیفیت خدمات	۱/۱۸	۰/۵۴۲	۱۲/۵۹	۰/۰۰۰
احساس تعلق اجتماعی	۰/۹۶۳	۰/۴۷۷	۱۳/۴۵	۰/۰۰۰
شهر (خواف)	۱/۰۱۹	۰/۴۲۶	۱۵/۰۲	۰/۰۰۰
مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	۰/۹۱۹	۰/۳۹۶	۱۹/۷۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵



شکل ۳: مدل تحلیل مسیر متغیرهای مستقل و وابسته

جمع بندی و نتیجه‌گیری

کلان‌شهر مشهد در سنجش مؤلفه‌های ۵ گانه امتیاز بالاتری را نسبت به دو شهر دیگر به خود اختصاص داده، چرا که در این شهر شاخص‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و کیفیت خدمات امتیاز بالایی را به خود اختصاص داده‌اند و در مرتبه بعدی کیفیت محیطی، کالبدی شهر هم از امتیاز تقریباً مناسبی برخوردار بوده است؛ بنابراین تمرکز امکانات و خدمات، تأسیسات و تسهیلات و مهاجرت تحصیل کرده‌ها به کلان شهرها، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و دولتی در

این پژوهش با ۵ شاخص و ۳۸ متغیر با هدف مقایسه میزان تعلق مکانی در شهرهای کوچک، میانی و کلانشهری مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

طبق نتایج به دست آمده از آزمون T تک نمونه‌ای میانگین میزان احساس تعلق مکانی در شهر خواف در حد متوسط، در شهر سبزوار پایین‌تر از حد متوسط و در کلان‌شهر مشهد بسیار بالاتر از حد متوسط ارزیابی می‌گردد.

تأثیرگذارترین عوامل احساس تعلق مکانی در هریک از شهرهای کوچک، میانی و کلان‌شهرها خواهد بود، همچنین در این تحلیل نشان داده شد که شهرهای کوچک هم (به دلیل هم بستگی‌های خویشاوندی) می‌توانند تأثیرگذار بر تقویت حس تعلق مکانی باشند؛ چرا که در مرحله سوم رگرسیون شهر خواف به‌عنوان یک مؤلفه مؤثر وارد گردید.

- از آنجا که ساختار فضایی شهرها نتیجه عملکرد فرایندهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است و از طرفی حس تعلق مکانی هم به نوعی به همین موارد وابسته است. بنابراین در آمایش فضاهای شهری توجه به فرایندهایی که ساختار فضایی شهرها را شکل می‌دهند بسیار مهم می‌نماید، چرا که تعلق مکانی و دل‌بستگی شهروندان به محل سکونت‌شان بیشتر خواهد شد و متعاقب آن بهتر می‌توان به ماندگاری جمعیت در شهرهای کوچک و متوسط، بهسازی و نوسازی بافتهای شهری و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و در نهایت توسعه پایدار شهری امیدوار بود.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش در جهت ارتقاء حس تعلق مکانی در شهرها، لازم می‌آید که در برنامه‌ریزی‌های آمایش شهری و منطقه‌ای به موارد ذیل توجه گردد.

- تقویت شهرهای کوچک و مراکز شهرستان‌ها؛ چرا که تقویت این گونه شهرها گامی است در جهت توسعه پایدار شهری، منطقه‌ای و همچنین می‌تواند به نظم و نسق دادن به سلسله مراتب شهری استان و کشور کمک نموده و به تبع آن به تقویت حس تعلق مکانی در این گونه شهرها مؤثر باشد.

- پیاده‌سازی عدالت اجتماعی و توزیع متناسب خدمات و امکانات به نسبت جمعیت در تمامی روستاها، روستاشهرها، شهرهای کوچک، میانی و کلان‌شهرها و پرهیز از تمرکزگرایی خدمات در کلان‌شهرهای ملی و منطقه‌ای مانند تهران و

این‌گونه شهرها رفاهیت و آسایش بیشتری را برای شهروندان‌شان به ارمغان آورده و همواره تعلق مکانی بیشتری را احساس می‌کنند.

در مرتبه دوم شهر خواف امتیاز احساس تعلق مکانی را به خود اختصاص داد، چرا که در این گونه شهرهای کوچک، قومیت، روابط خویشاوندی، نظام همسایگی، تعلقات عاطفی، پیوندهای اجتماعی مستحکم مبتنی بر وابستگی خرده فرهنگی باعث افزایش احساس تعلق مکانی گردیده و توانسته امتیاز بیشتری را نسبت به شهرهای میانی (سبزوار) کسب نماید.

- نتایج این پژوهش همسو با نتایج تحقیقات بل و نیوبای (۱۹۷۶)، بوده، چرا که این دو بر احساس تعلق شدید در شهرهای کوچک اشاره نمودند و در این پژوهش هم شهر خواف به عنوان یکی از شهرهای کوچک بدلیل همبستگی‌های شدید و نظام خویشاوندی مبتنی بر پیوندهای خرده فرهنگی احساس تعلق بالایی را نشان می‌دهد، اما براساس اظهارات زیمل، هاروی، باستیه، با افزایش اندازه شهر و تنوع افراد، احساس تعلق مکانی کاهش می‌یابد؛ چرا که آزادی، گمنامی، فردیت بی تفاوتی، بیگانگی و روابط پولی را موانع افزایش تعلق مکانی در شهرهای بزرگ می‌دانند، اما در این پژوهش کلان‌شهر مشهد احساس تعلق بالایی را به خود اختصاص داد، چراکه وجود خدمات و امکانات فراوان و موقعیت ممتاز مشهد به عنوان یک کلان‌شهر توانسته باعث افزایش حس تعلق شهروندان‌شان باشد و لذا در این مورد نتایج این پژوهش همسو با نظریات صاحب نظران فوق‌الذکر نیست.

- تحلیل رگرسیونی شاخص‌های پنج‌گانه احساس تعلق مکانی نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مربوط به متغیر کیفیت خدمات شهری و در اولویت‌های بعدی به‌ترتیب متغیرهای احساس تعلق اجتماعی، شهر محل سکونت (شهر خواف) و مشارکت در فعالیتهای اجتماعی خواهند بود؛ بنابراین کیفیت ارائه خدمات شهری از

- مکانی. مطالعه موردی: محلات ناحیه ۱۰ شهر سمنان. مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص. ۸۳-۹۸
- ۸- سرمست، بهرام و محمد مهدی متوسلی. ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان تعلق به مکان، مطالعه موردی شهر تهران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۱۴۶-۱۳۳.
- ۹- سیاوش پور، بهرام و مجتبی شادلو و زهره مولایی. ۱۳۹۳. ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی شهری، مشهد، صص ۱۸۱-۱۶۸.
- ۱۰- شارع پور، محمود. ۱۳۹۴. جامعه شناسی شهری، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۱- شهرداری مشهد. ۱۳۹۰. سازمان فناوری اطلاعات.
- ۱۲- شیخی، محمد و سعیده امینی و آناهیتا نظامی. ۱۳۹۴. مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی، مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم شهر، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۹، صص ۷۴-۴۵.
- ۱۳- علوی، سعیدعلی، محمدرضا عبودی و مهناز دانشور. ۱۳۹۷. سنجش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی شهری با رویکرد شهر سالم، مطالعه موردی: شهر بهبهان، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۱۸-۲.
- ۱۴- فکوهی، ناصر. ۱۳۸۳. انسان شناسی شهری، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- ۱۵- فنی، زهره، ژیلا سجادی و منصور سلیمانی. ۱۳۹۴. نقش سرمایه‌های اجتماعی در مدیریت و مشارکت محله‌ای. مورد مطالعه: محله‌های تیموری و هاشمی منطقه ۱۰ شهر تهران، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۲۱-۱۰۵.
- ۱۶- قاسمی، مروارید. ۱۳۸۴. بررسی حس مکان در شهرهای جدید نمونه موردی شهر جدید اندیشه، همایش بین المللی، شهرهای جدید. تهران، صص ۹۶-۸۴.
- ۱۷- مایک، ساوج و آلن وارد. ۱۳۸۷. جامعه شناسی شهری، ترجمه: ابوالقاسم پوررضا، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۸- مبارکی، محمد و سمیه صلاحی. ۱۳۹۱. کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق

مشهد و حتی اولویت دادن بیشتر به مراکز پایین دست و به تبع آن کاهش مهاجرت به مراکز بالادست شهری، از راه کارهای موفقیت آمیز خواهد بود چرا که آرایه خدمات مطلوب تر و به تبع آن آسایش و رفاه حتی در شهرهای کوچک هم می تواند احساس تعلق مکانی را تقویت نماید.

- ایجاد زمینه جهت برانگیختن حس مشارکت شهروندان در امور مدیریت شهری از سطح محله تا بالاتر، باعث اعتماد بیشتر شهروندان به یکدیگر و نهادهای اداری و مسئولیت پذیری و در نهایت افزایش حس تعلق مکانی را به همراه خواهد داشت.

منابع

- ۱- باقری، عبدالرضا و ماریا رحیمی. ۱۳۹۱. بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال دوم، شماره پنجم، صص ۱۷۰-۱۴۳.
- ۲- بزی، خدارحم، سلیمان میرزاپور و محمد افراسیابی. ۱۳۹۳. بررسی مقایسه ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم آباد، نشریه معماری شهر پایدار، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۴-۱.
- ۳- پیربابایی، محمدتقی و حسن سجاذاده. ۱۳۹۰. تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، شماره ۱۶، صص ۲۸-۱۷.
- ۴- رهنما، محمدرحیم و محسن رضوی. ۱۳۹۱. بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲، صص ۳۶-۲۹.
- ۵- زبردست، اسفندیار. ۱۳۸۳. اندازه شهر، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- ۶- زنگنه، یعقوب، سعید حسین آبادی و تکتم روشندل و رضا نبی پور. ۱۳۹۳. تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزواری، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۲۸-۱۱۱.
- ۷- زیاری، کرامت اله. امیر شریفی و کیومرث نعیمی. ۱۳۹۳. ارزیابی نقش توسعه اجتماعی در تحکیم حس

25. Besten, Olga den. 2010. Local belonging and geographies of emotions: Immigrant children's experience of their neighbourhoods in Paris and Berlin, *Journal of Childhood*, 17(2):181-195.
26. Boon, J., Helen. Cottrell, Alison. King, David. 2016. *Disasters and Social Resilience: A Bioecological Approach*, By Routledge.
27. Kaltenborn, B., and Williams, D.. 2002. The meaning of place: attachments to Femundsmarka National park, Norway, among tourists and locals, *Norsk Geografisk Tidsskrift-Norwegian Journal of Geography*, 56: 189-198.
28. Lewicka, M. 2008. Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past, *Journal of Environmental Psychology* 28: 209-231.
29. Manzo, Lynne, and Douglas D. Perkins. 2006. Finding Common Ground: The Importance of Place Attachment to Community Participation and Planning, *Journal of Planning Literature*, 20: 4.
30. Payton, Michelle Angela Payton. 2003. Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge, master's thesis of Natural Resources Science and Management Program, University of Minnesota.
31. Shamsuddin and Ujang. 2014. The Notion of Place, Place Meaning and Identity in Urban Regeneration, *Social and Behavioral Sciences* 170: 709-717.
- اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۳۱۵-۲۷۵.
- ۱۹- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. گزارش آماری شهرهای خراسان رضوی.
- ۲۰- مشکینی، ابوالفضل و اکرم قاسمی و مهدی حمزه نژاد. ۱۳۹۲. ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید، فضای جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۴۸، صص ۴۱-۵۶.
- ۲۱- میرزائیان، پیوند و عطاءاله هرندی. ۱۳۹۲. تبیین نقش برند شهری در تأثیر زیبایی شناسی شهر بر احساس تعلق خاطر شهروند ایرانی، اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر، تهران.
- ۲۲- میمنندی پاریزی، صدیقه. ۱۳۹۵. سنجش و ارزیابی رضایتمندی شهروندان از سنجه‌های پایداری، نمونه موردی: شهر کرمان، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ششم، شماره بیست و یکم، صص ۱۴۱-۱۵۷.
- ۲۳- وارثی، حمیدرضا و مهدی عامل بافنده و محمد محمدزاده. ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید، مطالعه موردی: شهر گلپه‌هار، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره دوم، صص ۱۷-۳۶.
- ۲۴- آزاد، زهرا و پروین پرتوی. ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی جایگاه میداين تهران در حفظ و ارتقای خاطر جمع‌ی شهروندان نمونه موردی: میداين تجریش و میداين بهارستان، نشریه مطالعات شهری، شماره چهارم، صص ۱-۱۲.